



صبانت از قلم / قلمی برای وحدت و قلمی برای کثرت

قلم همچون زبان دارای آفت‌هایی است که نشان از فساد آن دارد. فساد زبان که در بسیاری از روایات بدان اشاره شده گاه به هفتاد بند می‌رسد. به موازات آن قلم نیز چنین آفت‌هایی را به خود می‌گیرد.

قلم همچون زبان دارای آفت‌هایی است که نشان از فساد آن دارد. فساد زبان که در بسیاری از روایات بدان اشاره شده گاه به هفتاد بند می‌رسد. به موازات آن قلم نیز چنین آفت‌هایی را به خود می‌گیرد.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر یادداشتی است که به قلم حسین علی رمضانی، مدرس دانشگاه و کارشناس علوم انسانی به مناسبت ۱۴ تیرماه روز قلم نگاشته است:

کلمات الهی؛ همه عالم از کل تا جزء را در برگرفته است و پدیده shy&ها حامل این کلمات حضرت حق باری تعالی هستند و انسان به عنوان "حیوان ناطق" این کلمات را با ابزار معرفتی عقل و منطق به شکار خود در می‌آورد. کلمات طبق سنت الهی به دو طیف طیب و خبیث قابل تفکیک می‌شود؛ باشد. کلامی طیب که اصل آن بر ثبوتات و دعوت به وحدت اجزای هستی استوار است و ثمرات آن تا آسمان shy&ها گسترده می‌شود. "أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَّبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ قَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ" کلامی در مقابل که خبیث بوده و قراری بر آن نمی‌شود؛ باشد و بر پایه اصل "تغییر" (Change) "و مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ قُوقٍ الْأَرْضِ مَالَهَا مِنْ قَرَارٍ..." به دنبال کثرات و در ادامه دعوت به تکاثر اجزای هستی می‌شود؛ باشد.

کلام؛ حقیقتی است از "کُنْ قَیْکُونْ" که درک ماهیت آن ناممکن، تا شکل shy&گیری تمدنی از جنس انسان که بر پایه نطق شفاهی و مدون استوار می‌شود؛ باشد. کلام؛ حامل معناست و ابزار انتقال کلام؛ قلم "ن وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ" و زبان می‌شود؛ باشد؛ قلمی که مدون و سطر سطر بر صفحه shy&ای ثبت می‌شود و زبانی که شفاهاً بیانش در صفحه هستی ضبط می‌شود؛ گردد و این دو طبق قانون "ماند" تا ابد ماندگار خواهند ماند و فنایی برای آن متصور نیست. آن زمان که اعضا و جوارح شروع به کلام و نطق کنند "الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ" و آن زمان که زمین زبان باز کند و از اخبار درون خود بگوید "و أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا".

انسجام بین اجزای هستی بر پایه اعتماد است و اعتماد مقدمه shy&اش آگاهی می‌شود؛ باشد. آگاهی برآمده از خبر بوده و خبر پایه shy&اش نطق و کلام می‌شود؛ باشد. کلام جاری و ساری از کل تا جزء هستی است "سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ..." و "يَسْبِيحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ....".

سیستم و ارگان جامعه انسانی که حامل نطق می‌شود؛ باشد نیز بر پدیده کلام، آگاهی، اعتماد، مشارکت بنا نهاده شده است. گاه در عصر غارنشینی با اشاره که بر پایه هندسه و تصویر است، انتقال پیام می‌شود؛ دهد و پس از آن بر پایه و طرف مفهوم به تولید کلام و گزاره اقدام کرده و ارتباط می‌گیرد و فهم مشترک ایجاد می‌کند. در عصر حاضر با عدد صفر و یک از منطق ارسطویی به منطق تحلیلی و سمانتیک و منطق ریاضی روی آورده و بین صفر و یک در منطق فازی (Fuzzy Logic) بی‌shy&نهایت طیف در نظر می‌گیرد و برای رسیدن به نقطه ثقل "معرفت با هستی" باز همین نطق است که واسط بین این دو ساحت عمل می‌کند. انسان تنها موجودی است که حامل و قابل این ابزار می‌شود؛ باشد.

بیان داشتیم، که انسان در سیر رسیدن به درک صحیح از هستی و قواعد حاکم بر آن در راستای تمدن shy&سازی از ابزاری به نام نطق بهره می‌گیرد. این امر عامل اولیه آگاهی shy&بخش و انسجام اجتماع بشری محسوب می‌شود و جایگاه قلم و زبان به عنوان ابزار پیام shy&رسانی امری است که بر هیچ shy&کس پوشیده نیست، اما چه می‌شود که این کلام در دو ساحت قلم و بیان از صراط عدول کرده و میل به باطل می‌شود؛ یابد؟ کلامی مخلوق که فطرتاً باید طیب باشد! با درگیر شدن با طبیعت و نفس انسانی هویت مجعول و خبیثه به خود می‌گیرد؛ باشد و بیانی که باید موجب آگاهی و انسجام shy&بخشی و دعوت به وحدت باشد، میل به انتشار اخبار ناصحیح و ناصواب نموده و باعث انتشار کذب و بذر کثرت در بدنه اجتماع می‌شود؟

هیچ سیستمی را که خدا خلق نموده است، نمی‌توان یافت که خللی در آن باشد! و رخنه shy&ای در آن یافت.

اینکه بیان از آشوب (chaos) و ناقص shy&؛ الخلقه بودن مطرح می shy&؛ شود، باید به دنبال علل دیگر اعم از طبیعی و انسانی بود. دخل و تصرف shy&؛ های ناشی از نفسانیات انسان در عرصه تولید تکنولوژی و آثار سوء آن بر طبیعت و زیست محیط، مهندسی ژنتیک، نفوذ به زیر ndash&؛ اتم و ... موجب آشفتگی نظام هستی شده است. کار به جایی رسیده است که در اثر حوادث طبیعی همچون، سیل و زلزله و آتشفشان یا سقوط شهاب shy&؛ سنگ shy&؛ ها به دنبال تبیین این حوادث در "وجود رخنه در هستی" بوده و خدا را در نگاه نیوتنی در حد "خداي رخنه پوش" تقلیل دهیم.

روابط اجزای انسانی با یکدیگر منجر به شکل گیری سه بعد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می shy&؛ شود. سیستم shy&؛ هایی که در لایه طبیعت؛ اتم در علم فیزیک، مولکول در علم شیمی و سلول در علم زیست اجزای پایه shy&؛ ای آن محسوب می شود. در اجتماع بشری انسان به عنوان کنش shy&؛ گر پایه اصلی شکل shy&؛ گیری جامعه قرار می shy&؛ گیرد. عامل ارتباطی بین اجزای طبیعی بارهای الکتریکی در زیر ndash&؛ اتم، یون shy&؛ ها و بافت shy&؛ های میان سلولی است، در حالی که در جامعه بشری عامل ارتباط و انجذاب، نطق و کلام می shy&؛ باشد. اجزای سیستم انسانی باید همچون سیستم shy&؛ های سخت، اتحاد مولکولی و سلولی دارای انسجام باشند و فاقد خلاء و شکاف، که هیچ امری قابلیت نفوذ در آن را نداشته باشد، به نحوی که در نهایت منجر به تجزیه آن شود!

منظور نویسنده از "آگاهی" که بیان داشتیم، بر پایه کلام مکتوب و شفاهی می shy&؛ باشد. با ابزار رسانه shy&؛ ای، مانند قلم و تریبون تولید و انتشار می shy&؛ یابد. رسانه shy&؛ ای که حامل پیام بوده و پیامی که از سرادقات درونی انسان، اعم از عقل و قلب او برمی shy&؛ آید خبر می shy&؛ دهد. عقلی که می shy&؛ فهمد و سیر قیاس و استقراء را طی می shy&؛ نماید و با صغری - کبری چیدن، به نتایج قابل بیان در قالب نطق و به صورت shy&؛ های مختلف خود را نماینده باز نمود حقیقت می shy&؛ کند. پیام از طریق شکل، عدد و کلمه انتقال می shy&؛ یابد.

یک رفتار، نشانه shy&؛ ای است و حامل پیامی برای مخاطب می shy&؛ باشد. رفتار نماینده پیام هندسه بوده و از طریق بصر دریافت و توسط ذهن (ابزار تجزیه و تحلیل) پردازش می shy&؛ شود. رفتارها، برآمده از اعضا و جوارح انسان shy&؛ ها می shy&؛ باشد. چشم، گوش، زبان، دهان، دست، پا و پوشش و آرایش و زبان بدن (Body Language) حامل پیام می shy&؛ باشند. دیدن، شنیدن، گفتن، خوردن، ارتباط گرفتن، رفتن به جایی و پوشیدن (آنچه به انسان به عنوان شی shy&؛ و در معیت آن قرار می گیرد، مثل لباس، ساعت، انگشتر، ماشین، خانه و) و فرم سر و صورت، همه و همه پیامی دارند. پیام shy&؛ های آشکار و پنهانی که از اعضا و جوارح انسان پدیدار می shy&؛ شود. فکر و تئیتی که از ذهن و قلب کنش shy&؛ گر پدید می shy&؛ آید و گاه در لایه shy&؛ های مختلف پنهان می shy&؛ شود و پیام نهایتاً در بزنگاه ها و در گفتار و رفتار خود را نمایان می shy&؛ سازد و چه موجود پیچیده shy&؛ ای است این انسان دو پا!

گفتاری که برآمده از مفاهیم می shy&؛ باشد، نماینده پیامی کلامی بوده و از طریق سمع دریافت و توسط ذهن مورد تجزیه و تحلیل قرار می shy&؛ گیرد. گفتار مجموعه shy&؛ ای از کلمات می shy&؛ باشد که باب تفسیر را باز می shy&؛ کند. هم چنان shy&؛ که در رفتار باب تفسیر در راستای معنایابی شکل می shy&؛ گیرد. رفتار را باید در شرایط دید، گفتار را نیز باید در متن جستجو کرد، قاعده کلمه (Text) را در متن (Context) دیدن، اینجا مطرح می shy&؛ شود. قلم و تریبون هر دو گوش را هدف قرار می shy&؛ دهد و انسان shy&؛ ها پس از دریافت پیام و قرار گرفتن در شبکه معرفتی، سیر قضاوت تا رسیدن به معنا، نیت و مراد گوینده را طی می shy&؛ نمایند. حال اگر این کلام و رفتار، صادق و صالح باشد، پیام حاصل از آن نیز صادق و صالح خواهد بود و چنانچه مخاطب سلیم shy&؛ النفس و سلیم shy&؛ العقل باشد، صداقت و صلاحیت را به راحتی درک خواهد نمود. چنانچه کلام و رفتار کاذب و فاسد باشد، سیر حاصل از دریافت معنا هویت دیگر به خود می shy&؛ گیرد. این فرآیند پیام shy&؛ دهی و پیام shy&؛ رسانی با مؤلفه shy&؛ های ساختاری، محتوایی، ابزاری و ... تمام شبکه ارتباطی انسان shy&؛ ها را در می shy&؛ نوردد و در عصر انفجار اطلاعات، شاهد بروز و ظهور حجم انبوهی از دیتا و اخبار در هویت shy&؛ ها و قالب shy&؛ های متنی و تصویری می shy&؛ باشیم.

قلم که از ابزار نگارشی سطور و متن می shy&؛ باشد همچون زبان که ابزار بیان کلام در صفحه هستی است، دارای آفت shy&؛ هایی می shy&؛ باشد که نشان از فساد آن دارد. فساد زبان، که در بسیاری از روایات بدان اشاره شده است گاه به هفتاد بند می shy&؛ رسد. از غیبت، نمامی و دروغ گرفته تا تکذیب و کفران نعمت و در ادامه سخن از پیشگویی و کهنات و توجیح و ... همه و همه جز آفات زبان محسوب می shy&؛ شوند. به موازات آن قلم نیز چنین آفت shy&؛ هایی را به خود می shy&؛ گیرد که در جای خودش باید بدان پرداخت.

قول و قلم به عنوان ابزار رسانه shy&؛ ای باید صالح باشند؛ صالح بودن همه مؤلفه shy&؛ ها و فرآیند پیام shy&؛ رسانی باعث کشف و انتشار حقیقت می shy&؛ شود. حقیقتی که بر پایه صداقت فعلی و فاعلی شکل گیرد و انتشار یابد بستر فلاح و سعادت جامعه را فراهم می shy&؛ کند.

قلم و بیانی که از طریق جراید و سخنرانی shy&ها، برآمده از حدس و گمان "یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا ..." و قلب مریض "فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَزُنْجٌ قَزَآذُهُمُ اللَّهُ زُنْجٌ مَّرَصًا ..." باشد و فارغ از سوگیری (Bias) گوینده در بیان حق بر روی صفحه کاغذ و هستی نقش بندد؛ فضای جدل، مغالطه و سوء برداشت shy&ها را باز می shy&نماید.

در عصر انفجار اطلاعات (Era of explosion of information) نیز با پیشرفت سرسام shy&آور تکنولوژی اطلاعات (Information technology) عرصه پیام shy&رسانی از واقع (Actual) به سوی مجاز (Virtual) انتقال یافته است و در رقابت پیام shy&رسان shy&های واقعی چه بسا برتری با پیام shy&رسان shy&های مجازی می shy&باشد. با تحلیلی ساده از مکان (Location) و میزان زمان (Time) کاربر (User) که درگیر این فضا می shy&باشند، فضای مجازی که اطلاعات در قالب متن، صوت و تصویر ثابت و متحرک در صفر زمان انتقال می shy&یابد و دسترسی به اطلاعات حداقل جابجایی مکانی امکان shy&پذیر می shy&باشد؛ برتری بلامنازعی نسبت به فضای واقعی دارد. عرصه اطلاعات و ارتباطات از حوزه مکانیکی و خطی به سمت الکترونیکی و شبکه shy&ای میل پیدا کرده و ذره، موج و نور پایه اصلی جابجایی اطلاعات قرار گرفته است و این تکنولوژی اطلاعات در هر لحظه سیر تکامل خود را طی می shy&نماید.

با این توضیحات می shy&توان به یک نتیجه اولیه دست یافت که یکی از اصلی shy&ترین عوامل انسجام shy&بخشی اجزای یک سیستم، ارتباطات و گردش اطلاعات که بین اجزا رد و بدل می شود، می shy&باشد. نتیجه حاصل از انتقال و دریافت پیام چیزی جز اعتماد یا عدم اعتماد نسبت به محتوای خبر و یا گوینده نمی shy&باشد. پیامی که باب تفسیر سوء را در مخاطب ایجاد کند و یا حامل محتوای کذب، افترا، ایجاد شک و شیوع فحشا و... باشد، اعتماد و انسجام اجزای سیستم را سست کرده و امکان و احتمال شکنندگی آن را بالا می shy&برد. قلمی که چنین هویتی را به خود می shy&گیرد باید توسط سامانه shy&ای نظارتی و ممیزی شکسته شود و تریبونی که پیام shy&هایی از جنس آفات زبانی را به همراه دارد، باید ممنوع shy&الصدا و ممنوع shy&التصویر شود.

بی پروایی در قلم shy&فرسای و یا بیان، باعث ایجاد شکاف در هویت ساختاری یک سیستم شده و اجزا از عرصه عدالت به وادی تعارض (Inside system conflict) سقوط می shy&کنند. انصاف در نوشتن و گفتن حقیقت باید به عنوان یک اصل در بین پیام shy&رسان shy&ها قرار گیرد. رسانه shy&ای که بوی قدرت به خود گیرد و در دست طیف محدود و محدودی باشد از حوزه انصاف و اعتدال خارج می shy&شود. جریان اطلاعات حالتی تعاملی (Interactive) دارد و باید از بالا به پایین و پایین به بالا در جریان باشد تا عرصه عمل با علم و اقتصاد با سیاست و ماده و انرژی با دیتا در یک تعادل خاص سیر تکامل سیستم را رقم بزنند.

قلم و بیان در رسانه shy&ها باید از نقد شخص و شخصیت به نقد فکر و تصمیم معطوف شود. از نگاه به "مَنْ قَالَ" عبور کرده و به "مَا قَالَ" برسد. موضوع قلم و بیان در جامعه اسلامی معنا و مفهومی والا و البته حساس به خود می shy&گیرد. لبه تیزی که نوک قلم و زبان برای اصلاح و افساد اجزای جامعه می shy&توانند ایفا کنند، بسیار بالاست به نحوی که قرآن بارها به قلم، سطر، کلام و بیان قسم یاد کرده است؛ بنابراین طبق توصیه اسلام، بزرگان دین و اولیای الهی مبنی بر صیانت از قلم، نیاز به بازتعریف فضای قلم shy&فرسای رسانه shy&ها با رویکرد اسلامی در راستای انسجام و وحدت بین صدر و ذیل سیاست و اجتماع را مورد تاکید قرار می shy&دهد.